

# پناهندگی دسته جمعی: پدیده‌ای رو به گسترش

نویسنده: حمید نظری  
قسمت پنجم

امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. در این حالت است که نگرانی‌های سایر دول برانگیخته می‌گردد.

نکته دیگر اینکه علاوه بر بررسی دلایل، لازم است راه‌های جلوگیری از این امواج انسانی بررسی شود. گرچه مداخله در امور داخلی کشورها امری مذموم می‌باشد، با این وجود بدون شك آندسته از قواعد بین‌المللی که ناظر به حقوق اولیه هر انسان است باید توسط دولت‌ها رعایت شود. گذشته از این، بالا بردن سطح تفاهم بین‌المللی بین دولت‌ها تا حد زیادی از برداشت‌های خصومت‌آمیز متقابل در قبال پناهندگی‌های دسته جمعی خواهد کاست.

بمنظور بررسی متدولوژیک این مسئله کوشش‌هایی صورت گرفته است. منجمله در میز گردی که در سال ۱۹۸۲ توسط موسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه، با شرکت صاحب‌نظران حقوق بین‌المللی در «سان‌رمو» در ایتالیا تشکیل گردید، چنین تشخیص داده شد امواج گسترده پناهندگی را باید در یک چارچوب زمانی کلی نگریست و پدیده را تماماً و در رابطه متقابل با عناصر اساسی آن مورد بررسی قرار داد. این چارچوب زمانی شامل چهار مرحله است:

اول - مرحله ابتدائی که طی آن شرایط ایجاد امواج پناهندگی وجود داشته و یا در حال ظهور است.

دوم - مرحله‌ای که شکل‌گیری این امواج بسیار محتمل است.

سوم - مرحله‌ای که ضمن آن موج انسانی تشکیل می‌گردد.

چهارم - مرحله بعد از شکل‌گیری موج که محتاج راه‌حلهای ویژه می‌باشد. ۲. در رابطه با مرحله اول باید توجه داشت که بررسی دلایل اساسی برای شناخت حرکت‌های گسترده پناهندگی و برون‌مرزی - بخصوص هنگامیکه یافتن راه‌حل‌های نهائی برای آن مورد نظر است، اهمیت خاص پیدا می‌کند.

در مرحله دوم آنچه اهمیت دارد جلوگیری از ایجاد شرایطی است که منجر به چنین اوضاعی می‌گردد، زیرا ممانعت از حرکت مردمی که شاید اجباراً خانه و کاشانه خود را ترک کرده‌اند کمکی در جهت دست‌یابی به هدف که همانا بازگرداندن این امواج است محسوب نمی‌شود. اصول حقوق بین‌المللی منجمله کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو دولت‌ها را متعهد می‌سازد که از ایجاد شرایطی که منجر به حرکت‌های دسته‌جمعی می‌شود، در داخل خاک خود و یا هر جای دیگر اجتناب نمایند. کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از افراد غیرنظامی در معارضات بین‌المللی مقرر می‌دارد که: انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت (کنوانسیون) از اراضی اشغال شده بخاک دولت اشغال‌کننده یا بخاک هر دولت دیگر اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد، به‌رعلتی ممنوع است.

در مرحله سوم کلیه مشکلات عینی مربوط به یک حرکت دسته‌جمعی بمنصه ظهور می‌رسد. دولت‌های پذیرنده بدلائل متعدد یا این امواج را نپذیرفته و آنها را در مرزها متوقف می‌سازند و یا برحسب قراردادهائی که با دول دیگر و بخصوص دول همسایه دارند و حتی بدون چنین قراردادهائی اعضای این گروه‌ها را مجبور به بازگشت به وطن خویش نموده یا آنها را به مقامات کشور مربوطه تحویل می‌دهند. هرچند اصل «non-refoulement» تا حد زیادی توانسته است از گسترش این رفتار جلوگیری کند، لکن هنوز منافع ملی کشورها مانع از رسیدن به یک اجماع بین‌المللی در این زمینه است. به تجربه ثابت شده است که اعطای پناهندگی موقت می‌تواند ابزار ارزشمندی در رابطه با حرکت‌های دسته‌جمعی پناهندگان و حمایت از آن باشد. این نکته را نیز باید متذکر شد که گرچه ممکن است افرادی که ضمن این امواج به کشوری پناهنده می‌شوند، دقیقاً براساس مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهنده محسوب نگردند، لکن امروزه دست‌اندرکاران مسائل پناهندگی می‌کوشند به کشورهای بقبولانند که دریغ نمودن حمایت از اشخاصی که دقیقاً در چارچوب این کنوانسیون قرار نمی‌گیرند و به صورت امواج پناهنده به سایر کشورها رو

معمولاً به‌نگام صحبت از پناهندگی، بیشتر حالت فردی آن به ذهن خطور می‌کند. این شاید عمدتاً بدلیل آن باشد که فرد در ابتدا با احساس ترس، خود را در تعارض با شرایط محیط خویش می‌بیند و سپس تشابه وضعیت وی با سایر افراد، پناهندگی را به صورت گروهی در می‌آورد. به‌رحال امروزه بررسی امواج پناهندگی و راه‌های اساسی جلوگیری از گسترش آن از مقوله‌های عمده حمایت بین‌المللی از پناهندگان محسوب می‌گردد زیرا گسترش امواج پناهندگی است که موانعی اساسی در راه مطلوبیت اقدامات بین‌المللی برای حمایت از پناهندگان بوجود آورده و بالاخره همین گستردگی است که پذیرش پناهندگی یک گروه خاص و یا عدم اعطای آن به گروهی دیگر را به صورت عنصر عمده‌ای در سیاست دول پذیرنده پناهنده درآورده و یا تحولاتی را در مقررات و قوانین داخلی آنها در زمینه پناهندگی موجب گردیده است.

از نظر اجتماعی نیز کثرت مهاجرین و پناهندگان و آوارگان در کشورهای پذیرنده موجب اعتراض عمومی و واکنش‌های آشکار و نهان می‌گردد و این مسئله بخصوص در جوامع پذیرنده‌ای که دارای فرهنگی متفاوت با فرهنگ پناهندگان بوده یا از نظر درجه رشد اقتصادی در مراحل بالاتری قرار دارند کاملاً مشهود است.

در هر صورت اصولی چند در این زمینه مورد تفاهم ضمنی غالب دول بوده و محترم شمرده می‌شود. منجمله اینکه در اینگونه موارد، افراد یک جمعیت پناهنده می‌بایستی دست کم به صورت پناهنده موقت «Temporary Refugee» شناخته شده و براساس رفتاری مشخص و معقول با آنها برخورد شود و نباید تنها به این دلیل که احتمالاً امکان کسب پناهندگی در جای دیگر برای آنان وجود دارد، مردود شناخته شوند. در هر حال اصل «باز نگرداندن» (non-refoulement) همچنان معتبر بوده و پناهنده نبایستی به محل اولیه که زندگی‌اش در معرض خطر است عودت داده شود.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند چنانچه در زمینه تعیین وضعیت پناهندگی یک گروه مشکلاتی ایجاد شود بنحوی که دولت‌ها نتوانند به آن گروه پناهندگی جمعی اعطاء نمایند، باید به افراد آن گروه فرصت داده شود که موارد فردی را جداگانه مطرح نمایند. بویژه آنکه عدم صلاحیت یک گروه برای دریافت پناهندگی لزوماً بدان معنا نیست که افراد آن گروه دارای دلایل مستقلاً برای برخورداری از پناهندگی ندارند.

در حالیکه پذیرش جمعیت پناهندگان و حمایت کشور پذیرنده از آنان علی‌الاصول یک تعهد بین‌المللی محسوب می‌گردد و کشور پذیرنده طبق اصول بین‌المللی به عملی صلح‌آمیز از طرف جامعه بین‌المللی دست می‌زند، معهذاً غالب دولت‌هائی که اتباعشان به کشور دیگر پناهنده می‌شوند این عمل را رفتاری غیر دوستانه در قبال خود تلقی کرده و معمولاً سعی می‌کنند بهانه‌های متقابلی عنوان نمایند.

لذا آنچه که در محافل و نهادهای بین‌المللی مربوطه مطرح است آن است که یک اقدام بین‌المللی جامع در رابطه با مسئله پناهندگی دسته‌جمعی مستلزم راه‌های چندگانه و هم‌زمان بین‌المللی می‌باشد. منجمله آنکه می‌بایست دلایل پناهندگی‌های دسته‌جمعی روشن شود. همانطوریکه در گفتارهای قبل نیز اشاره شد، غالباً نقض فاحش حقوق بشر، برخوردهای مسلحانه، و اشغال خارجی از جمله دلایل عمده حرکت‌های ماوراء مرزی به صورت اجباری و عبارت دیگر پناهندگی دسته‌جمعی محسوب می‌گردد. البته در بعضی موارد، شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی نیز می‌تواند عامل کمک‌کننده باشد. تا آنجا که به حوزه سیاست‌های داخلی هر دولت مربوط می‌شود، طبیعی است که این سیاست‌ها مخالفین داشته باشد که گاه از ترس جان مجبور به ترک کشور خود می‌شوند. اما این سیاست‌ها که گاه به «امور داخلی» تعبیر می‌گردد، با بوجود آوردن حرکت‌های دسته‌جمعی آوارگان و پناهندگان خطری جدی برای صلح و





می آورند، پسندیده نیست.

یکی از راه حل‌های ویژه‌ای که در مرحله چهارم پیشنهاد می‌گردد، بازگشت داوطلبانه پناهندگان است. در رابطه با این راه حل چهار عامل عمده وجود دارد که باید مورد توجه کافی قرار گیرد این چهار عامل عبارتست از حقوق، وظایف و منافع هر کدام از طرفین قضیه یعنی پناهندگان، کشور اصلی، کشور پذیرنده و جامعه بین‌المللی. این عوامل بطور متقابل برهم اثر می‌گذارد. برای مثال تعهدات کشور اصلی یا موطن یک پناهنده فقط به تمایل فرد پناهنده یا آن کشور بستگی ندارد بلکه تدارک راه حل بازگشت داوطلبانه عمدتاً به حقوق بین‌المللی و تعهدات سایر دول نیز مربوط می‌گردد. بدون شک آنچه بازگشت

شده و گاه جنبه اقتصادی و اجتماعی به خود گرفته و نهایتاً به اخراج منجر می‌شود.

بطور کلی بررسی مسئله اخراج‌های دسته جمعی در زمان صلح یا هنگام بروز برخوردی مسلحانه ما را به این نتیجه می‌رساند که اخراج عمل و یا شکست عملی توسط یک دولت است با این قصد یا تاثیر که خروج ناخواسته شخص یا اشخاص را از سرزمین آن دولت عملی سازد. ۴۰ با کمی تأمل متوجه می‌شویم که «پناهندگی» و «اخراج دسته جمعی» متضمن عوامل مشابهی است. با این وجود، چنانچه از نظر حقوقی به مسئله نگاه کنیم در می‌یابیم که برخلاف پناهندگی که در حقوق بین‌الملل جای مستحکمی دارد، اخراج دسته جمعی تحت پوشش کافی و مستقل حقوق داخلی و بین‌المللی قرار نگرفته است. هر چند جامعه بین‌المللی ظرف دهه‌های اخیر تاحدی در برابر اخراج‌های دسته جمعی از طرف دولت‌ها عکس‌العمل نشان داده است، لکن تنوع موارد و تشتت آراء در این زمینه حمایت از قربانیان چنین سیاست‌هایی را دشوار ساخته است.

کنوانسیون ۱۹۴۸ یکی از موارد ژنوسید را «قراردادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمانی به صورت کلی یا جزئی شود» ۵ توضیف کرده است. براین اساس چنانچه سیاستی با قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، اجتماعی یا مذهبی انجام پذیرد، می‌تواند «ژنوسید» تلقی گردد.

در هر حال شرایط ناشی از حضور چنین جمعیتی در سایر جوامع و آثار بین‌المللی آن با شرایط مسئله پناهندگان مشابه است. در این حال است که جامعه بین‌المللی ناچار می‌شود با آن از محدوده کنوانسیون ۱۹۵۱ و یا سایر الزامات بین‌المللی مربوط به پناهندگان فراتر گذاشته و کمک‌های مادی جهت این دسته از آوارگان نیز فراهم آورد.

### تحولات مربوط به جمعیت‌های آواره و پناهنده در جهان

برای بررسی دقیق تحولات مربوط به آوارگان و پناهندگان جهان باید به چند نکته توجه کافی داشت. نخست اینکه تحولات مربوط به امواج پناهندگی تابعی از تحولات بین‌المللی بوده و از آثار مثبت یا منفی آن برکنار نمی‌باشد. این تحولات حتی در مسائل مربوط به حمایت از پناهندگان و راه‌حل‌های مربوط به آوارگی نفوذ کرده آنها را به جهات مختلف سوق می‌دهد. توافق‌های بین‌المللی و دو جانبه از این دست تحولات است. با این وجود، گاهی حساسیت‌های جامعه بین‌المللی انعطاف‌پذیری را بردولت‌ها تحمیل می‌کند.

### ● بر خلاف «پناهندگی» که در حقوق بین‌الملل

جای مستحکمی دارد، «اخراج دسته جمعی» به صورت کافی و مستقل تحت پوشش حقوق داخلی و بین‌المللی قرار نگرفته است.

### ● غرب آسیا با یکی از گسترده‌ترین امواج

پناهندگی در دنیا روبروست و پاکستان و ایران به صورت کشورهای پذیرنده بزرگترین جمعیت‌های پناهنده در جهان در آمده‌اند.

داوطلبانه پناهندگان دسته جمعی را تسهیل می‌نماید، ایفای تعهدات توسط کلیه طرف‌هاست. گرچه نمونه‌های بارز پناهندگی دسته جمعی در جهان حاکی از حرکت ارادی پناهندگان برای خروج از یک کشور و پناه بردن به محلی امن‌تر می‌باشد، ولی در بسیاری موارد نیز سیاست‌های داخلی یک دولت و یا نیروهای مهاجم خارجی باعث می‌شود که پناهندگان به صورت «اخراج شدگان دسته جمعی» درآیند. اقدامات رژیم صهیونیستی برای تملک اراضی اعراب فلسطین و نهایتاً افزایش کنترل بر این مناطق توسط صهیونیست‌های مهاجر به فلسطین، قبل و بعد از تشکیل اسرائیل، را می‌توان از جمله این سیاست‌ها تلقی کرد. چنین سیاست‌هایی غالباً در مراحل ابتدائی به صورت بد رفتاری با اقلیت‌ها، اعمال تبعیض، و ایجاد جوترس و اعراب ظاهر



دوم اینکه کشورهای اروپائی و آمریکائی برخلاف کشورهای جهان سوم که بی هیچ محدودیتی امواج آوارگان را پذیرفته‌اند، با تصویب قوانین محدود کننده که تا حد زیادی نشانگر روح تبعیض نژادی حاکم بر جوامع آنهاست، درهای خود را تا حد امکان بروی گروه‌های آواره بسته و ترجیح می‌دهند که کمک‌های بین‌المللی خود را بنحوی ارائه نمایند که این آوارگان فرصت راه یافتن به کشور آنها را بدست نیآورده و در همان نخستین جوامع پذیرنده که اکثراً کشورهای همسایه موطن اصلی پناهندگان می‌باشند، مستقر گردند. با این توضیح به بررسی امواج پناهندگی در مناطق مختلف جغرافیائی جهان می‌پردازیم:

در آمریکای لاتین همواره تغییرات سیاسی مثل کودتاها، انقلابات و جانشینی بی دربی دولت‌ها، موجب پناهندگی‌های دسته جمعی بوده ولی از سال ۱۹۸۷ این منطقه با تحولات جدیدی روبرو گردیده است. تمایل دول آمریکای

## ● آثار سیاست‌های استعماری گذشته و حال در ایجاد امواج پناهندگی در قاره آفریقا به خوبی مشهود است. قدرت‌های استعماری همواره به مردم آفریقا تلقین می‌کردند که به قبایل تعلق دارند و این بستگی، یک منبع دائمی برای تعارض و جنگ به شمار می‌رود.

مرکزی به همکاری سازنده در چارچوب «گروه کونتا دورا» و کوشش برای رفع تشنج‌های داخلی در این منطقه، با موفقیت‌هایی در زمینه متوقف ساختن امواج پناهندگی و حتی برگرداندن آن همراه بوده است. برای نمونه ۴۴۰۰ پناهنده اهل السالوادور ظرف سال ۱۹۸۷ به وطن خود بازگشتند. در ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۶ طی فرمانی از طرف ژنرال پینوشه حاکم نظامی شیلی بازگشت ۳۷۰۳ نفر پناهنده شیلیائی به کشور ممنوع گردید لکن در اواسط نوامبر ۱۹۸۷، ۳۲۷۸ نفر آنان اجازه بازگشت یافتند.

مسئله اساسی برای پناهندگانی که بدینصورت به کشور اصلی باز می‌گردند آن است که با وجود بعضی نشانه‌های بهبود در شرایط داخلی، باز هم تا اندازه زیادی احساس عدم امنیت می‌کنند. زیرا در بسیاری از موارد به قول‌هایی که توسط مقام‌های رسمی یک کشور صادر بر عدم تعقیب پناهندگان داده می‌شود نمی‌توان اعتماد کرد. هیچ تضمینی نیز وجود ندارد که شرایط مشابهی در آینده پناهندگان را مجبور به ترک مجدد وطن ننماید. علاوه بر این ضربه‌ای که در اثر جنگ‌های داخلی یا تشنج‌های زد و خورد‌های مرزی به زیربنای کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی وارد آمده است غالباً محیط را نه تنها برای پناهندگان بلکه برای سکنه عادی نیز غیر قابل تحمل می‌کند.

امروزه مشکل پناهندگان در آفریقا به یک نگرانی عمده جهانی تبدیل شده است که رفع آن مستلزم توجه خاص و کمک‌های گسترده‌ای است. قاره آفریقا ظرف سال‌های اخیر علاوه بر مشکلات عقب ماندگی اقتصادی، با مسائل دیگری مانند درگیری‌های نظامی در غالب نقاط از جمله در آفریقای جنوبی، شاخ آفریقا، ناحیه صحرا، و غیره روبرو بوده است. خشکسالی‌های بی دربی نیز بر بار این مشکلات افزوده است. از این جهت جمعیت پناهنده در سراسر این قاره منجمده در سودان، اتیوپی، سومالی و تقریباً در بیشتر کشورهای جنوب این قاره موج می‌زند.

پناهندگان موزامبیک بنحو چشمگیری در داخل این کشور و در سرزمین‌های اطراف پراکنده شده‌اند. در اوایل نوامبر سال ۱۹۸۷ تعداد آوارگان موزامبیک در مالاوی بیش از سیصد هزار نفر بوده و بر اساس گزارش‌های موجود، هر ماه حدود ده هزار نفر تازه وارد به آنان اضافه می‌شده است. این رقم در پنج ماهه اول سال ۱۹۸۸ به بیست هزار نفر در هر ماه بالغ گردیده است. در سوازیلند سی هزار، در تانزانیا هفتاد و دو هزار، در زامبیا بیست و هشت هزار، و در زیمبابوه بیش از صد و پنجاه هزار نفر پناهنده موزامبیک وجود دارند که در اثر کشمکش‌های داخلی آواره گردیده‌اند. مردم این کشور همراه در معرض تعرض گروه‌های مسلحی بوده‌اند که با دولت مرکزی به مخالفت برخاسته و از طرف رژیم آفریقای جنوبی حمایت شده‌اند. در انگولا جنگ بین نیروهای داخلی و نیروهای یونیتا که مورد پشتیبانی آفریقای جنوبی هستند، آوارگان انگولائی را راهی کشورهای همجوار کرده است. تجاوزات رژیم آفریقای جنوبی به کشورهای همجوار سرزمین نامیبیا و خط مقدم جبهه، به جابجانی مردم این کشورها در سطح گسترده منجر گردیده است. پناهندگان آفریقای جنوبی و نامیبیا نیز بخاطر سرکوب‌های شدید این رژیم

به کشورهای خط مقدم جبهه سرازیر شده‌اند. وخامت اوضاع آوارگان و پناهندگان در آفریقا سازمان ملل متحد را بر آن داشت که با همکاری سازمان وحدت آفریقا زمینه را برای جلب کمک‌های بین‌المللی برای پناهندگان فراهم نماید. بدین ترتیب دو کنفرانس بین‌المللی بمنظور کمک به پناهندگان آفریقائی برگزار گردید که به ICARA-I و ICARA-II (۱۹۸۴) مشهور است. از جمله اهداف این کنفرانس گرد آوردن کمک‌های بین‌المللی برای پناهندگان و تقویت زیربنای اقتصادی و اجتماعی کشورهای پذیرنده پناهنده در این قاره از طریق اجرای طرح‌های توسعه توسط آژانس‌های ملل متحد بوده است.

در ماه اوت ۱۹۸۸ نیز با همکاری سازمان خلق جنوب غرب آفریقا (SWAPO) که از طرف سازمان ملل متحد بعنوان تنها نماینده قانونی مردم نامیبیا شناخته شده است، سازمان وحدت آفریقا، و همچنین کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان یک کنفرانس بین‌المللی در مورد وضعیت پناهندگان و آوارگان در جنوب آفریقا (SARRED) در اسلو پایتخت نروژ برگزار گردید تا علاوه بر بررسی وضع این آوارگان، برای جلب کمک‌های بین‌المللی و تقویت کشورهای خط مقدم جبهه، بر بی پذیرش این آوارگان، اقدامات مشترک، بعمل آید.

در بررسی دقیقتر مسئله پناهندگان در آفریقا باید به این نکته توجه داشت که در میان جنگ‌های داخلی و برخوردهای گروه‌های مختلف در کشورهای این قاره، تا اندازه زیادی جنگ‌های قبیله‌ای نیز به چشم می‌خورد. با این ترتیب می‌توان آثار سیاست‌های استعماری گذشته و حال را در تولید امواج پناهندگی در این قاره بخوبی مشاهده کرد. بویژه اگر به یاد داشته باشیم که قدیمی‌ترین کشور مستقل آفریقا یعنی غنا تنها سی سال عمر دارد. به گفته «کنت کائوندا» رئیس جمهور زامبیا، قدرت‌های استعماری همیشه به مردم این قاره تلقین می‌کرده‌اند که به قبایل تعلق دارند و این تعلق یک منبع همیشگی تعارض و جنگ در این قاره بوده است.

در جنوب شرقی آسیا، حدوداً یکصدوسی هزار پناهنده هندوچینی در اردوگاه‌های کشورهای منطقه زندگی می‌کنند که هفتاد و پنج هزار نفر آنان از لاتوس، ۲۵ هزار نفر از ویتنام، و بیست و سه هزار نفر از کامبوج هستند که

## ● بر خلاف کشورهای جهان سوم که بی هیچ محدودیتی امواج آوارگان را می‌پذیرند، کشورهای اروپائی و آمریکائی با تصویب قوانین محدود کننده که تا اندازه زیادی نشان دهنده روح تبعیض نژادی حاکم بر جوامع آنهاست، درهای خود را تا سر حد امکان بروی گروه‌های آواره بسته‌اند.

تحت پوشش کمیساری عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان قرار دارند. از این تعداد نزدیک به یکصد و پنجاه هزار نفر در تایلند پناهندگی موقت دریافت کرده‌اند. علاوه بر این بیش از دو بیست و پنجاه هزار نفر آواره کامبوجی در تایلند وجود دارند که زیر پوشش بخش عملیات کمک سازمان ملل متحد (U.N Border Relief Operations) می‌باشند.

از مسائل بحث انگیز این منطقه، وضع پناهندگان ویتنامی است که خود را با قایق‌های کوچک به سواحل تایلند می‌رسانند (Boat People) و در راه با خطرات زیادی مواجه هستند که عمده‌ترین و خطرناک‌ترین آنها (که توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرده است) حمله دزدان دریائی به این قایق‌ها در خلیج تایلند می‌باشد. این حملات همواره به تجاوز به عنف به زنان و کودکان و قتل و غارت افراد همراه است. وخامت اوضاع به حدی است که در حال حاضر برنامه گسترده‌ای با همکاری کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان، دولت تایلند، و یازده کشور عمده کمک کننده به برنامه‌های حمایت از پناهندگان جهت مبارزه با دزدان دریائی بمورد اجرا گذاشته شده است.

در غرب آسیا، با یکی از گسترده‌ترین امواج پناهندگی در جهان روبرو هستیم که کشور ما نیز از آثار آن برکنار نمانده است. نزدیک به سه میلیون نفر آواره افغانی در پاکستان و حدود ۲/۵ میلیون از این افراد در ایران سکنی گزیده‌اند و با این ترتیب پاکستان و ایران به صورت کشورهای پذیرنده بزرگترین جمعیت‌های پناهنده در جهان در آمده‌اند.

هر چند در بخش‌های بعدی پیرامون وضع این آوارگان بخصوص در جمهوری اسلامی ایران بطور مفصل بحث خواهیم کرد، لکن بی‌مناسبت نیست به این نکته اشاره شود که در پاکستان، قریب ۷۵ درصد از آوارگان افغانی در



استان سرحد شمال غرب و حدود ۲۵ درصد دیگر در بلوچستان زندگی می کنند و در نزدیک به سیصد و بیست هزار دهکده مخصوص پناهندگان اسکان داده شده اند. آندسته از آوارگان که در مناطق مرزی پاکستان و افغانستان زندگی می کنند تا کنون بارها هدف حمله نیروهای دولتی افغانستان قرار گرفته اند. در جمهوری اسلامی ایران، آوارگان افغان تا حد نسبتاً زیادی در جوامع محلی پذیرفته شده و به درجه بالائی از خودکفائی برای ارتزاق دست یافته اند. این آوارگان عمدتاً در دو استان همجوار پاکستان و افغانستان یعنی خراسان و سیستان بلوچستان متمرکزند ولی شمار زیادی از آنان نیز در سایر استانهای کشور پراکنده شده اند.

بطور قطع امضای قرارداد ژنو بین افغانستان و پاکستان و تضمین آن توسط دو ابر قدرت و تحولات بعدی آن اثرات تعیین کننده ای در وضع آوارگان افغانی خواهد داشت. زیرا بازگشت آوارگان افغانی به موطن خود یکی از مواد

درخواست پناهندگی کرده اند و به افزایش بوده و این روند همچنان قوس صعودی را طی می کند. در سال ۱۹۸۵ تعداد پناهندگان در اروپای غربی به یکصد و هفتاد هزار نفر و در ۱۹۸۶ به بیش از دویست هزار تن بالغ گردید. حدود دوسوم از این عده از ملیت های غیر اروپائی هستند. از آنجا که در بعضی از کشورهای اروپائی مثل دانمارک، فرانسه و آلمان فدرال محدودیت هائی در زمینه پناهندگی بوجود آمده، این جمعیت به طرف کشورهائی چون یونان، هلند، ایتالیا، نروژ، اسپانیا، سوئد و سویس روی آورده است. ۱۰

بهرحال در اروپا این عقیده غالب است که اکثر درخواست کنندگان پناهندگی در چهارچوب تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ قرار نمی گیرند و غالباً مهاجرین اقتصادی هستند. البته علت عمده چنین تعبیری ترس از سرازیر شدن غیر معقول و گسترده جمعیت پناهنده به این کشورها می باشد. از آنجا که در سالهای اخیر ورود مسافری بدون مدرک مسافرتی به اروپا گسترش یافته است،

● یکی از تحولات مهم در غرب آسیا در رابطه با مسئله پناهندگی های دسته جمعی، آوارگی کردهای عراقی است. گرچه قبلاً نیز آوارگان کرد به ایران روی آورده بودند ولی گستردگی حملات اخیر و بکارگیری سلاحهای شیمیائی توسط رژیم عراق به حدی بوده که نگرانی عمیقی را در سطح بین المللی بوجود آورده است.



بعضی از کشورهای اروپائی از سال ۱۹۸۷ به بعد مجازاتهائی را علیه آندسته از شرکت های هوائی که پناهندگان را بدون مدرک مسافرتی سوار می کنند اعمال می نماید.

در آمریکای شمالی ظرف چهل سال گذشته بیش از دو میلیون پناهنده و آواره در ایالات متحده و بیش از پانصد هزار نفر در کانادا پذیرفته شده اند. گرچه این دو کشور هر دو در تدوین کنوانسیون ۱۹۵۱ فعالانه شرکت کرده اند ولی سالها بعد به آن پیوستند. ایالات متحده پروتکل ۱۹۶۷ را در سال ۱۹۶۸ پذیرفت و کانادا یکسال پس از آن یعنی در سال ۱۹۶۹ به کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل آن ملحق گردید. علاوه بر این در داخل این دو کشور نیز تاحدی در قبال این ابزار حقوق بین المللی سیاسی انفعالی پیش گرفته شده است.

همانطور که قبلاً اشاره شد اعطای پناهندگی رابطه مستقیمی با اهداف سیاسی دولت هائی دارد که پناهنده به آنها مراجعه می کند. در مورد آمریکای شمالی شایسته ذکر است که ایالات متحده بیشتر پناهندگان آمریکای مرکزی را بعنوان مهاجرین اقتصادی می شناسد. در حالیکه دولت کانادا هر ساله تعداد پانصد نفر از پناهندگان آمریکای مرکزی را که در آمریکا پذیرفته نشده اند بعنوان پناهنده می پذیرد و مبنای این تصمیم نیز این است که جان پناهندگان یاد شده در صورت اخراج و برگشت به کشورشان در مخاطره خواهد بود.

### آمار پناهندگان و آوارگان در سراسر جهان

بحث تنوریک صرف در مورد مسائل پناهندگی نمی تواند گسترده گی و عمق مشکل مزبور را بنحو شایسته ای نشان دهد. خوشبختانه آماري که در این زمینه وجود دارد تا حدودی برای درک اهمیت قضیه راه گشاست. در بعضی از

این قرارداد می باشد. ولی نباید از نظر دور داشت که هر گونه بازگشت داوطلبانه آوارگان موکول به تحقق شرایط عینی یک زندگی امن در افغانستان خواهد بود. بدون شک ترمیم خرابیها و زیربنای بهم پاشیده افغانستان و تأمین حداقل معاش برای آن دسته از آوارگان که به وطن خود باز می گردند، عامل عمده ای در قانع کردن مردم آواره برای بازگشت به افغانستان به شمار می رود.

از تحولات نگران کننده دیگر در غرب آسیا در زمینه پناهندگیهای دسته جمعی، امواج جدید آوارگان کرد عراقی است که بدنبال قبول قطعنامه ۵۹۸ از طرف جمهوری اسلامی ایران و آتش بس بین ایران و عراق صورت پذیرفت. رژیم عراق با اغتنام فرصت از آتش بس حملات خود را متوجه کردهای شمال این کشور کرد که منجر به آواره شدن دهها هزار کرد عراقی به کشورهای ترکیه و ایران گردید. گرچه قبلاً نیز آوارگان کرد به ایران روی آورده بودند ولی گستردگی حملات اخیر و بکارگیری سلاحهای شیمیائی توسط رژیم عراق بحدی بوده است که نگرانی های بین المللی را در این مورد برانگیخته است.

در جنوب آسیا، جنگ داخلی در سریلانکا عده قابل توجهی از تاملیلی های این کشور را وادار به ترك سرزمین مادری کرده است. نزدیک به یکصدوسی هزار تاملیلی به استان تاملیل نادو در جنوب هند نقل مکان کرده اند که از این تعداد نزدیک به یک چهارم در کمپ های موقت اسکان داده شده اند و حدود شصت هزار نفر نیز در جستجوی پناهگاه امن به کشورهای اروپائی روی آورده اند. گرچه تقاضای پناهندگی حدود هشتاد و پنج درصد از این عده پذیرفته نشد ولی با وساطت کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان، این کشورها تاملیلی ها را بخاطر شرایط ویژه سریلانکا به این کشور پس نفرستادند. از اواسط دهه ۱۹۷۰ شمار افرادی که از کشورهای اروپای غربی



● کنوانسیون ۱۹۴۸ یکی از موارد «ژنوسید» را «قرار دادن عمدی گروهی از مردم در شرایط زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمانی شود» توصیف کرده است. بر این اساس چنانچه سیاستی با قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، اجتماعی، یا مذهبی انجام پذیرد، «ژنوسید» تلقی می گردد.

● هر چند امضای قرار داد ژنو میان افغانستان و پاکستان و تضمین آن از سوی دو ابر قدرت و تحولات بعدی آن آثار تعیین کننده ای در وضع آوارگان افغانی خواهد داشت ولی بازگشت داوطلبانه این افراد تا حد زیادی موقوف به تحقق شرایط عینی یک زندگی امن در افغانستان خواهد بود.

موارد شدت مسئله بعدی است که آمار جمعیت آواره و پناهنده در یک منطقه از جهان در هر ماه متفاوت است. این نکته بخصوص در مورد قاره آفریقا بیشتر صدق می کند چون تحولات سیاسی در آنجا صورت بسیار فشرده و سریعی دارد. در هر حال آمار آوارگان در جنوب آفریقا مربوط به ژوئن سال ۱۹۸۸ و در سایر کشورها مربوط به دسامبر ۱۹۸۷ می باشد. امیدواریم در پایان سال جاری مسیحی بتوانیم جدیدترین ارقام درباره آوارگان را در اختیار قرار دهیم. متذکر می گردد که آمار اندسته از کشورها که با علامت (\*) مشخص شده اند از «مجله پناهندگان» شماره ۱۱/۵۵ و آمار سایر کشورها از مجله پناهندگان شماره ۱۲/۴۸ اخذ شده است.

۱۰۰۰۰ نفر آفریقای جنوبی  
\* بوتسوانا ۵۲۳۵ پناهنده آنگولائی، نامیبیانی، آفریقای جنوبی و زیمبابوه ای  
\* لسوتو ۴۰۰۰ پناهنده آفریقای جنوبی  
\* مالاوی ۴۵۲۰۰۰ پناهنده موزامبیک  
\* موزامبیک ۲۰۰/۳۱۰/۳ هزار نفر آواره بازگشتی  
\* سوازیلند ۲۶۰۰۰ شامل ۱۹۸۰۰ موزامبیک و ۶۹۰۰ آفریقای جنوبی  
\* تانزانیا ۷۲۰۰۰ موزامبیک  
\* زامبیا ۱۳۶۰۰۰ شامل ۹۷۰۰۰ آنگولائی ۳۰۰۰۰ موزامبیک، ۵۵۰۰ نامیبیانی، ۳۵۰۰ نفر آفریقای جنوبی  
\* زیمبابوه: ۱۶۶۲۵۰ شامل ۱۶۶۰۰۰ نفر موزامبیک و ۲۵۰ نفر آفریقای جنوبی

اروپا و آمریکا

ترکیه	۱۹۰۰	فنلاند	۵۰۰
یونان	۳۳۰۰	سوئد	۱۲۰/۰۰۰
یوگسلاوی	۱۴۰۰	نروژ	۱۳۲۰۰
ایتالیا	۱۵۳۰۰	دانمارک	۳۳۰۰۰
اطریش	۱۸۵۰۰	هلند	۱۶۰۰۰
سوئیس	۳۰۱۰۰	بلژیک	۳۵۹۰۰
آلمان فدرال	۱۴۰۳۰۰	انگلستان	۱۰۰/۰۰۰

جنوب شرق آسیا

ژاپن	۹۰۰	ماکانو	۶۰۰
چین	۲۸۵۰۰	ویتنام	۲۵۰۰۰
هنگ کنگ	۸۰۰۰	فیلیپین	۲۹۰۰

(۱۰۸۰۰ نفر در مرکز نگهداری پناهندگان)

جنوب آسیا

هند	۱۳۶۴۰۰
غرب آسیا	

پاکستان ۲/۸۸۲/۰۰۰

ایران ۲/۶۰۰/۰۰۰ (علاوه بر افغانستان برآورد می شود که حدود ۵۰۰ هزار نفر آواره عراقی نیز در ایران سکونت داشته باشند که از این تعداد حدود ۵۰ هزار نفر آواره کرد مورد شناسایی کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان قرار گرفته اند).

خاورمیانه و شمال آفریقا

لبنان	۵۹۰۰	مراکش	۸۰۰
جمهوری عربی یمن	۷۵۰۰۰	الجزایر	۱۶۷۰۰۰
مصر	۱۱۰۰		

خاور دور  
اندونزی ۳۸۵۰ (۱۵۰ نفر در مرکز نگهداری پناهندگان)

پاپوا گینه نو ۱۰۱۰۰

استرالیا ۸۵۹۰۰

نیوزیلند ۴۴۰۰

آفریقا

جیبوتی	۱۶۷۰۰	رواندا	۱۹۴۰۰
سومالی	۷۰۰/۰۰۰	بوروندی	۲۶۷۵۰۰
اتیوپی	۱۳۲/۴۰۰	سنگال	۵۵۰۰
سودان	۹۷۴/۰۰۰	ساحل عاج	۹۰۰
کنیا	۸۰۰۰	توگو	۲۶۰۰
اوگاندا	۱۴۴۰۰۰	بنین	۳۷۰۰

جنوب آفریقا

\* آنگولا ۱/۵۵۳/۰۰۰ نفر آواره داخلی  
۷۹۰۰۰ پناهنده شامل ۶۹۰۰۰ نفر نامیبیانی

آمریکای لاتین

بلژیک	۹۰۰۰	مکزیک	۱۷۵۰۰۰
کوبا	۲۰۰۰	گوآتمالا	۱۲۰۰۰
نیکاراگوئه	۸۲۰۰	هندوراس	۶۸۰۰۰
کاستاریکا	۳۱۲۰۰	پاناما	۱۲۰۰

جمهوری دومینیکن ۱۶۰۰۰ اکوادور ۸۰۰

از آنجا که امواج پناهندگان معمولاً به دلایل خاص مکان ها و کشورهای ویژه ای راجعت سکونت خود اختیار کرده در آنجا پناه می گیرند، هر کدام از کشورها مأمین دسته ای خاص می شود که مشکلات ویژه خود را دارد و طبیعی است که سیاست ها و تدابیر خاصی را نیز از طرف کشور پذیرنده طلب می کند. بدین ترتیب مثلاً پناهندگان سریلانکائی در اروپا شرایطی یا مشکلاتی دارند که پناهندگان اروپای شرقی در همین کشورها ندارند. گاه حتی علل اصلی پناهندگی آنها نیز در تعیین شرایط زندگی بعدی آنها در کشور مأمین اثر دارد.

بهرحال سعی خواهد شد پس از بحث درباره مسائل اساسی پناهندگی به بررسی مشکلات هر یک از گروههای پناهنده در کشورهای گوناگون پرداخته و آنها را برای خوانندگان محترم روشن نمایم.

زیرنویس ها:

1 - Report of the Round Table on the problems arising from large number of Asylum Seekers (Sanremo, 22-25 June 1981), International Institute of Humanitarian Law, Sanremo, Italy p.5

2 - Report of the Round Table on pre-flow aspects of the Refugee phenomenon (Sanremo, 27-30 April 1982), International Institute of Humanitarian Law, Sanremo Italy, P.5

3 - 1949 Geneva Convention, Article 49.

4 - Report of the working group on Mass Expulsion (Sanremo, 16-18 - April 1983). International Institute of Humanitarian Law, Sanremo, Italy. P.4

5 - Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Article 2

6 - Refugee Magazin, No: 48, Decem ber 1987. P.8.

7 - Briefing Paper for an informal meeting of Permanant Representative of States Members of the Executive Committee of the High Commissionrt's Programme (30 June - 1 July 1988), UNHCR Secretariat, 8 June 1988, Geneve. P.6

8 - Kaounda, Kenneth, "sharing the litte we have" Refugee magazin No: 48, December 1987. P.22.

9 - Refugee Magazin, No: 48. P.27

10 - Refugee Magazin, No: 48. P.27

11 - Refugee Magazin, Numbers, July-August 1988

12 - Refugee Magazin - No: 48